

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۲۷ جون ۲۰۱۴

غیبت چندین روزه رهبر (مایوس ایست) های «جاغوری»!

هزاره ایست و چنگیزیست متعصب و فاشیست «هالند» نشین، «انجنیر» لولو و پخپلو صادق علی «ظفر» بعد از بیستم ثور ۱۳۹۳ خورشیدی تا ختم «انتخابات» فرمایشی افغانستان از «هالند» مفقود الاثر گشت و بعد از گذشت روز ها، هفته قبل دوباره به «هالند» عودت نموده پدیدار و نمایان گشت. البته غیبت «ظفر» یک امر تصادفی نبوده بل که ارتباط نزدیک و عمیق با بیانیه «سلطانعلی کشتمند» دارد که قبل از برگزاری «انتخابات» فرمایشی در زیر سایه تجاوز، از رهروان و پیروان پرچمی خادیسست، هزاره ایست و چنگیزیستش طی اعلامیه ای در خواست کرد که باید برای تیم «عبدالله عبدالله» و «محمد محقق» از دل و جان فعالیت نموده رأی بدهند. یک مسأله مهمی که در غیبت «صادق علی» جلب توجه کرد همانا عدم نشر «نوشته ها، مقالات و گزارشات» (مایوس ایست) های مغز موش خورده در مرداب «شورش» بود، چنین توجیه چه بوده می تواند باشد به جزء ثبوت تنها بودن «صادق علی» دنی در کار و بار سیاسی و حتی اجتماعی اش!

قرار اطلاع موثق از منابع نزدیک به فامیل «ظفر» اولاد های ایشان در تجمعات فرهنگ غرب حل و مل شده اند و کلتور ملی شان را از یاد برده و به کار های «پدر» شان کاری نداشته حتی مخالفت سخت دارند. علیا مخدره شان، کاملاً خود را گم کرده ایرانی زده و ایرانی پرست بوده و از مریدان ولایت فقیه ایران می باشد و از افغان و افغانستان بالاخص از «سنی ها به خصوص اگر پشتون باشند» نهایت متنفر است. بناء رهبر (مایوس ایست ها) مایوس تر از گذشته هم چو سگ دیدو و تک و تنها درک کرده است که حتی فامیلش با این همه سگ صفتی ها و سگ گری هایش شدیداً مخالفت ورزیده و به راه های مختلفی روانند. بنابر دستور «سلطانعلی کشتمند»، «اسدالله کشتمند» و دیگر پرچمی های طرفدار «شورای نظار» و «حزب وحدت اسلامی»، «مقیم هالند»، «انجنیر» صادق علی «ظفر»، به کابل می رود و برای «عبدالله و محقق» کمپاین و تبلیغات می نماید. گزارشات رسیده از «هالند»، حاکی از آنست که «داکتر» غفور ثناء، بچه بی ریش «داکتر کریم زرغون خلقی»، استخباراتی خادیسست، خلقی دو آتشی، ۱۴ سال انجونیست، قاتل «رفیق سلطان» و با بیشتر از چهل سال مبارزه در «حزب دمکراتیک خلق افغانستان»، در جلسه سری که با «کشتمند ها»، صادق علی «ظفر» و دیگر پرچمی های خادیسست در «هالند» داشت نیز موافقت می کند تا «ظفر» به کابل سفر کند و با پرچمی های کشتمندی و خلقی های طرفدار «داکتر کریم زرغون» در تماس نزدیک شده و صفوف پراکنده شان را منسجم و متحد گرداند تا برای «عبدالله عبدالله» کمکی گردد که به «ارگ» راه یابد. «صادق علی ظفر» با خرچ پول های هنگفت از کسبه «عبدالله عبدالله» نه تنها چنان کاری را انجام داد بلکه عده ای از مردم شریف هزاره را نیز در بدل پرداخت پول مجبور ساخت تا برای «عبدالله/محقق» رأی بدهند.

«داکتر» غفور ثنا مشهور به غف، مسؤول بیت الخلائی «پیام آزادی» که مدعی رهبری جنبش پرولتری مایوسان و (مایوس ایست ها) می باشد، با اتکاء به همان پیروان و هواداران «کشتمند ها» و «داکتر کریم زرغون ها» وقتاً فوقتاً از «هالند» غر و پف و چس و عف و جف می زند و از جنبش «پرولتری» مایوسان (مایوس ایست) و ائتلاف حرامزادگان و زنازادگان (مایونیست) دم می زند. حالا نمایان و قابل رویت است که جنبش «پرولتری» مایوسان و ائتلاف حرامزادگان و زنازادگان (مایوس ایست) واقعاً که ها هستند و دارای چگونه تمایلات و فرایند و روش سیاسی می باشند.

ناگفته نماند که «مایوس ایست» های «سازمان کارگران م ل م» مشهور به بچه بی ریشان «پیرم قل»، در «لویه جرگه» فرمایشی به خاطر «امضای قرار داد امنیتی» با امپریالیسم جنایت گستر امریک اشتراک ورزیده بودند و برای «عبدالله عبدالله» نیز در «انتخابات» دوره اول و دوره دوم در شهرهای «مزار شریف» و «تخار» کمپاین و تبلیغات زیادی را به راه انداختند. از قضایا و اتفاقات فعلی چنین معلوم می شود که بچه بی ریشان پیرم قل، سیما سمر، محمد محقق، کشتمند ها، صادق علی ظفر و غفور «غف»، در اتحاد و پیوند عمیق با «شورای نظار» و «حزب وحدت اسلامی»، هوا و نوای دیگری را در سر می پروراند، احیای مجدد «حزب دمکراتیک خلق» تحت عنوان دیگر و یا ائتلاف نوع جدیدی که بیشتر به مسائل سکتاریستی، سمتی، لسانی و قومی دامن زند.

(مایوس ایست) های قرتکی و فرتکی و مغز موش خورده؛ چون چند قلاده سگ و خر های کهنه پیخ و بوزینه مانند اند و از پشتیبانی چند قلاده سگ و خر محدود و مفتخور در سطح خارج برخوردار اند، این درز عمیق و کمبودی روشن، زنازادگان، بی ناموسان و حرامزادگان (مایوس ایست) را بدان واداشته است تا به هر بی ناموسی و رذالتی تن داده و بهر وطنفروشی دست بزنند و به هر خس و خاشاکی همچو خود شان تکیه نمایند تا بقای سیاسی و اجتماعی شان را حفظ نمایند. همان طوری که «صادق ظفر» به خاطر شهرت کشیدن و مطرح شدن از علیا مخدره اش استفاده های سوء می کرد به همین ترتیب «داکتر» غفور ثنا از علیا مخدره اش در چهارده سال انجوگری و زیست در پاکستان و قبل از آن در (خاد)، چه استفاده های سوء کرد که قلم از نوشتنش عاجز می ماند. هنوز تحقیقات ما در باره زندگی غفورک و علیا مخدره اش ادامه دارد و عنقریب برای انقلابیون گزارش مفصل توأم با عکس تهیه و به ملاحظه شان رسانیده خواهد شد.